

نگاه درون

رانندگی زنان مصداق تعریف تروریسم عربستانی

اردشیر زارعی‌قنواتی

● با ارسال پرورنده «لوجین الحظلول» و «مبسا المعودی»- دونفر از اعضای کمپین حق رانندگی زنان و فعال در حوزه حقوق زنان در فضای مجازی -به یک دادگاه رسیدگی‌کننده به اقدامات تروریستی از سوی رهبران قضایی عربستان سعودی، بار دیگر اثبات شد که این کشور حاشیه خلیج فارس در ساختار قرون وسطایی خود همچنان بزرگ‌ترین دشمن دموکراسی و حقوق زنان در دنیای مدرن است.
ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان تا به امروز نه‌تنها هیچ روزنه‌ای برای اصلاحات باقی نگذاشته است که به‌تازگی با تدوین قوانین شریعت به‌شدت ارتجاعی و سرکوبگرانه در حوزه اجتماعی و سیاسی، به بهانه اقدام «ضدامنیت‌ملی» و «مخالفت با پادشاه» تمام مرزهای قراردادی حقوق‌بشر و حداقل‌های حکمرانی مطلوب را نیز نقض کرده است.
در چنین شرایطی، با توجه به وضع موجود و واقعیات جامعه سعودی، به‌سختی می‌توان این کشور را حتی با سرکوبگرترین دیکتاتوری‌های جهان مدرن - حتی در خاورمیانه درهم‌آشفته کنونی - نیز مقایسه کرد.
در ملک «ملک عبدالله» اصولاً چیزی به‌عنوان حقوق زن و جایگاه اجتماعی آن در نظام سیاسی - اجتماعی این کشور وجود خارجی نداشته و زنان تنها وسیله برای ازدیاد نسل و ارایه خدمت به مردان، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. البته پرورنده حقوق‌بشری عربستان درخصوص مردان نیز چندان مطلوب نبوده و در فرهنگ سیاسی این کشور به‌غیراز اراده پادشاه و تمکین همگان به ساخت بنیادگرانه -قبایلی موجود، دیگر مولفه‌های زیست انسانی در چارچوب دولت- ملت، موجودیت عینی نخواهند داشت.

حیات و تداوم چنین ساختار «مقابل‌تمدن» در قرن بیست‌ویکم در عربستان جدا از ذات متصلب سیاسی- اجتماعی این کشور در عرصه بیرونی تا حدود زیادی به اتحاد استراتژیک ریاض با هرم قدرت جهانی، به‌خصوص در واشنگتن و اروپا نیز بستگی تام دارد. این هم‌پیمانی و شراکت نزدیک که حول نقش این کشور در حوزه ژئوپلیتیک منطقه و تأثیر نفت بر عرصه اکونومیک جهانی، تا به امروز یک حریم امن را برای بازیگری در سطح کلان بین‌المللی از سوی حاکمان سعودی مهیا کرده است. نقش با اهمیت ریاض برای زمینگیرکردن رقبای مشترک خود با غرب که در شرایط کنونی ایران، روسیه و ونزولا را هدف قرار داده است همان اهرم لازم برای رهبران این کشور است که به‌واسطه «احساس دین» طرف‌های غربی هیچ صدایی از مدعیان همیشگی حقوق بشر نسبت به سرکوب جامعه مدنی این کشور بلند نشود. در چنین فضای بسته‌ای که بی‌اعتنایی جهانی را در پشت‌سر خود دارد این‌بارزنان عربستانی که جرات پشت فرمان نشستن و رانندگی را پیدا کرده‌اند، نه‌تنها باید ضربه شلاق را تحمل کنند که احتمالاً در دادگاه صدتروریسم این کشور باید در انتظار اتهامات سخت و تنبیهات شدید هم باشند.
جامعه مدنی، تلاشگران حقوق زنان و فعالان حقوق بشری عربستان در چنین فضای به‌شدت آلوده، قربانی بنیادگرایی حاکمان و روحانیون محافظه‌کار سلفی شده‌اند و رانندگی خانم راجین الحظلول از خاک امارات‌متحده به سوی مرز این کشور، مصداق اقدام تروریستی به‌حساب آمده است. این در حالی است که حتی تا به امروز حاکمان و شیوخ متنفذ سعودی، بزرگ‌ترین‌تأمین‌کنندگان مالی تروریسم بنیادگرای از نوع «داعش» بوده‌اند و ظاهراً رانندگی اتوبیل‌های بمب‌گذاری‌شده در بین جمعیت‌های غیرنظامی در تفکر ساخت سیاسی- اجتماعی حاکم بر جامعه عربستان هیچ منع قانونی و اخلاقی به هم راه ندارد. تا زمانی که هژمون‌های قدرتمند بین‌المللی، معیارهای متفاوتی برای سنجش تروریسم و جامعه غیردموکراتیک دارند؛ کشورهایی مانند عربستان مهره طلایی آنان برای نظهبخشیدن به منویات ژئوپلیتیک، حداقل در منطقه خاورمیانه خواهند بود.
زنان و فعالان حقوق‌بشری عربستانی در چنین فضای مسمومی قادر به جلب حمایت راس قدرت بین‌المللی برای ایجاد فشار بر حکمرانان ریاض ندارند هرچند همین کمپین‌های اعتراضی تا حدود زیادی توانسته‌اند حداقل افکارعمومی جهانی را نسبت به اوضاع وخیم این کشور جلب کنند. با توجه به ضعف نهادهای مدنی در عربستان و اتحاد نامیمون این کشور با محور محافظه‌کار عربی و غرب که ناشی از قدرت اقتصاد نفتی و نقش تأثیرگذار ژئوپلیتیک ریاض است، امثال مبسا و راجین‌ها باید همچنان بهای سنگین مخالفت با دستگاه قرون‌وسطایی حاکم بر کشورشان را بپردازند.
منظر ماجرا اینجاست: در نظامی که رانندگی زنان یک جرم تروریستی به حساب می‌آید، هم‌اکنون زنان و شراکت لیبرال‌دموکراسی غربی با پادشاه سعودی برای ائتلاف در نبرد علیه تروریسم داعش و حمایت از به‌اصطلاح انقلابیون سوری برای سرنگونی اسد، در بروکسل و واشگتن یک‌اتحاد استراتژیک و همکاری راهبردی تلقی می‌شود. به همین دلیل تاکنون در نهادهای مسئول بین‌المللی هرگز کسی نسبت به اوضاع اسفناک حقوق‌بشری و مجازات ناقضان حقوق زنان در عربستان، هیچ اعتراض و مجازاتی حتی به‌صورت غیرالزام‌آور نیز انجام نگرفته و قربانیان دموکراسی‌خواه این کشور «تهاترین» در نوع خود بوده‌اند.

ساختمان‌ها فرومی‌ریزند، شهرها سقوط می‌کنند و نظامیان و غیرنظامیان کشته می‌شوند. این تصویر روزمره عراق و سوریه است که ماه‌هاست زیر چرخ‌های ماشین جنگ داعش، مقاومت را معنا کرده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد رفع معرکه خونین شام و عراق چاره‌ای خارج از میدان جنگ می‌طلبد؛ راهکاری که به گفته ژنرال بازنشسته آمریکایی، «جان آلن» همین حالا نیز دامن‌گیر تروریست‌ها شده است.
تبهکاران داعش که همین چندماه پیش و بنابر تخمین مقامات عراقی، با دراختیارداشتن سرمایه‌ای دو میلیارددلاری به‌عنوان ثروتمندترین سازمان تروریستی طول تاریخ شناخته می‌شدند، اکنون گرفتار بحران مالی شده‌اند. دلیل آن هم به گمان جان آلن، چیزی نیست جز کاهش بهای جهانی نفت و پیشروی نیروهای ائتلاف. هماهنگ‌کننده ارشد عملیات ائتلاف جهانی ضدداعش در گفت‌وگو با هفته‌نامه «اشپیکل» مدعی شده حملات ائتلاف بامحدودکردن دادوستدهای نفتی داعش موجب کاهش درآمدهای نفتی این سازمان تروریستی شده و در نتیجه توان مالی آن را برای پرداخت حقوق اعضا و جذب نیروهای جدید به شکل چشم‌گیری تضعیف کرده است. با این اوصاف، به‌نظر می‌رسد گردش مالی اعصاب‌آور داعش که روزگاری برگ برنده این گروه تروریستی بود، اکنون به پاشنه آشیل آن تبدیل شده است.
داعش امروزه در حالی بنابر گزارش‌ها حتی توان پرداخت حقوق اعضای خود را ندارد که پیش از این رهبران آنان، از شر نظام اقتصادی سلطه‌جوی غربی با توسل به درآمد حاصل از فروش نفت استخراجی از پالایشگاه‌های اشغال‌شده، دریافت پول در قبال گروگان‌ها، اخاذی از کسب‌وکارهای محلی، قبول اعانات از برخی گروه‌های اسلامگرا و حتی فروش آثار باستانی بود که از یک گروه افراطی کوچک به بزرگ‌ترین و بی‌ترجم‌ترین سازمان تروریستی تاریخ معاصر بدل شد. در این بین، درآمدهای نفتی، مهم‌ترین منبع مالی این گروه تروریستی بود که بنا بر برآورد کارشناسان، در ماه‌سیتامبر گذشته به دو الی سه‌میلیون دلار در روز بالغ می‌شد. این میزان درآمد ناشی از فروش روزانه حدود ۷۰هزاربشکه نفت به قیمت ۹۰دلار بود



نفت؛ پاشنه آشیل داعش

که امروز با توجه به افت ۳۰درصدی بهای نفت و نابودی بخش اعظم پالایشگاه‌های نفتی تحت کنترل داعش توسط جنگنده‌های ائتلاف، به ۲۰ الی ۳۰درصد درآمد پیشین کاهش یافته است. این در حالی است که اخاذی تبهکاران داعش تحت عنوان مالیات و لئوای برخی اصول مذهبی چون ذکات اجباری، فدیة پرداخت حقوق اعضای خود را ندارد که پیش از این تروریستی بود، اکنون به پاشنه آشیل آن تبدیل شده است.
داعش امروزه در حالی بنابر گزارش‌ها حتی توان پرداخت حقوق اعضای خود را ندارد که پیش از این رهبران آنان، از شر نظام اقتصادی سلطه‌جوی غربی با توسل به درآمد حاصل از فروش نفت استخراجی از پالایشگاه‌های اشغال‌شده، دریافت پول در قبال گروگان‌ها، اخاذی از کسب‌وکارهای محلی، قبول اعانات از برخی گروه‌های اسلامگرا و حتی فروش آثار باستانی بود که از یک گروه افراطی کوچک به بزرگ‌ترین و بی‌ترجم‌ترین سازمان تروریستی تاریخ معاصر بدل شد. در این بین، درآمدهای نفتی، مهم‌ترین منبع مالی این گروه تروریستی بود که بنا بر برآورد کارشناسان، در ماه‌سیتامبر گذشته به دو الی سه‌میلیون دلار در روز بالغ می‌شد. این میزان درآمد ناشی از فروش روزانه حدود ۷۰هزاربشکه نفت به قیمت ۹۰دلار بود

سیف‌الاسلام قذافی در دادگاه

سیف‌الاسلام قذافی پسر «معمر قذافی»، دیکتاتور سابق لیبی و چند نفر از چهره‌های رژیم سابق این کشور ۱۱ژانویه محاکمه می‌شوند. این افراد به جرایم متعددی از جمله سرکوب انقلابیون، فساد اداری و مالی، کشتار جمعی، تأسیس گروه‌های مسلح و غارت متهم هستند. **(الجزیره)**

بحرین، جزیره‌ای پادشاهی در حاشیه خلیج فارس است که اقلیتی سنی بر اکثریتی شیعه حکومت می‌کنند. جایی که نتیجه مبارزه مردم برای حقوق دموکراتیک و ردشدنشان از حصار ترس، تنهایی و سرکوب است. جدال دیرینه مخالفان پادشاهی این کشور هیچ‌گاه به موفقیتی چشمگیر نرسیده است، روزی نیست که یکی از مخالفان با انواع و اقسام اتهام‌ها روانه دادگاه نشوند. دادگاه‌هایی نامدین که حکم آنها عموماً چیزی نیست جز محکومیت هرآنکه صدایش مزاحم گوش‌های پادشاه است. یکشنبه‌شب نیز در ادامه همین روند، مقامات بحرینی، «شیخ علی‌سلمان»، رهبر حزب «الوفاق» بحرین، بزرگ‌ترین حزب مخالف دولت این کشور را پس از ۱۰ساعت بازجویی، بازداشت کردند. طبق گزارش‌ها، وزارت کشور بحرین روز یکشنبه برای پاسخ به سوال‌هایی درباره نادیده‌گرفتن قانون، سلمان را بازجویی کرده است. حزب الوفاق با تأیید این خبر اعلام کرد که بازداشت رهبر این گروه یک ماجراجویی خطرناک است که وضعیت سیاسی بحرین را پیچیده می‌کند. در همین حال خبرگزاری

جهان



افول رویای ثروتمندترین سازمان تروریستی جهان

نفت؛ پاشنه آشیل داعش

مغازه‌داران در شهرهایی چون موصل و همچنین مالیات‌های غیرمستقیم است که برای مثال درمورد محصولات پزشکی به ۱۰ الی ۳۵درصد بالغ می‌شود. گفته می‌شود بانک اعتباری «الرقه» به‌عنوان اداره مالیات پایتخت خودخوانده داعش عمل می‌کند و هر دوماه یک‌بار در ازای تأمین آب، برق و امنیت، حدود ۲۰دلار از صاحبان مشاغل دریافت می‌کند. با وجود این، گزارش‌های محلی حاکی از آن است که نظام مالیات‌بندی داعش، گردش اقتصادی سرزمین‌های تحت تصرف داعش را به‌شدت مختل کرده است. مالیات حمل‌ونقل با ایجاد اختلال در زنجیره تأمین شهرهایی چون موصل و فلوچه، سبب شده تا قیمت سوخت و مواد غذایی تا دو الی چهاربرابر افزایش یابد و شهروندان برای تأمین انرژی و منابع غذایی اولیه چون نان و آرد با مشکلات فراوانی دست‌به‌گریبان باشند. این در حالی است که به باور کارشناسان انرژی، نیروهای داعش روزانه به دست‌کم ۱۵۰هزاربشکه نفت‌خام برای تأمین تقاضای محلی نیاز دارند. اما این

آزادی عامل حمله به بمبئی

ذکی الرحمان لکھوی، عامل حمله به شهر بمبئی هند در سال ۲۰۰۸ میلادی با حکم دادگاه عالی اسلام‌آباد آزاد شد. حمله سال ۲۰۰۸ به چند مکان از جمله هتل «ماربوت» در شهر بمبئی در هند بیش از ۱۵۰کشته برجا گذاشت. **(تسنیم)**

۱۰**ساعت بازجویی از رهبر بزرگ‌ترین حزب مخالف بحرین**

شعله‌ور شدن اعتراض‌ها علیه منامه

فرانسه به نقل از شاهدان عینی گزارش داد که به محض انتشار خبر بازداشت شیخ‌علی سلمان، هواداران او که در مقابل خانه‌اش در روستای شیعه‌نشین «بلادالقدیم» در نزدیکی «منامه» جمع شده بودند، با پلیس درگیر شدند. بر اساس همین گزارش، پلیس برای متفرق‌کردن تجمع‌کنندگان از گاز اشک‌آور و تفنگ ساجه‌ای استفاده کرده است. براساس گزارش‌ها، خودروهای زرهی دولت بحرین در ورودی‌ها و خروجی‌های شهر مستقر شده‌اند و چند پست ایست‌بازرسی جدید نیز در همین راستا احداث شده است. همچنین ماموران بحرینی در اکثر مناطق این کشور به‌ویژه در مناطق غربی پایتخت، «ستره» در حومه منامه و همه راه‌های منتهی به مقر جمعیت الوفاق مستقر شدند. از طرفی دیگر، منابع خبری بحرین از تحصن جمع کثیری از شهروندان این

تمام ماجرا نیست؛ تعیین واحد پول از سوی رهبران داعش و آغاز ضرب سکه‌ها نیز به تورم موجود دامن خواهد زد. دشواری در تأمین فلز موردنیاز برای ضرب سکه‌ها، وابستگی واحد پول جدید به تغییرات قیمت در بازار جهانی و احاطه نداشتن ساختار رهبری داعش بر چگونگی کاربرد سکه‌های ضرب‌شده که می‌تواند به کاهش ارزش آن بینجامد، هیچ‌کدام نویدی بر ثبات آتی در اقتصاد اکنون بحرانی داعش نمی‌دهند. داعش در چهارمین شماره از نشریه انگلیسی‌زبان خود، «دابق» اعتراف کرده تشکیل دولت بدون پاسخگویی به نیازهای دنیوی و مذهبی امت ممکن نیست. حال حتی اگر نواheim درباره مذهبی ستیزه‌جویی‌های داعش نیز اظهارنظر کنیم، به نظر می‌رسد داعش در تأمین نیازهای مادی مردم و در نتیجه تشکیل دولت در سرزمین‌های تصرف‌شده به‌سختی شکست خورده است.

اعدام پشت اعدام

توان مالی داعش شاید کاسته شده باشد، اما آنچه مسلم است خالاحالاها از ظرفیت‌های خشونت‌ورزی در این سازمان تروریستی کاسته نمی‌شود. هزارو۸۷۸مورد اعدام در قالب سنگسار، تراندازی مستقیم و بریدن سر طی شش ماه گذشته تنها بخشی از کارنامه سیاه این گروه در سوریه است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سوریه با اعلام این خبر در روز یکشنبه، اظهار کرد هزار و ۱۷۵انفر از اعدامیان، غیرنظامی بوده‌اند که در این بین، نام چهارکودک و هشت‌زن نیز به چشم می‌خورد. این در حالی است که گذشته از ۱۵۰۲افسر ارتش سوریه، ۸۰عضو از گروهک‌های تروریستی مخالف چون جبهه النصره و ۱۲۰جنگ‌جوی خارجی که قصد خروج از داعش را داشته‌اند، قبیله الشعیطات با ۹۳۰اعدامی به علت بیعت‌نکردن با این گروه تروریستی، بیشترین سهم از قربانیان داعش طی شش‌ماه گذشته را به خود اختصاص داده است. البته با توجه به سرنوشت نامعلوم صدها بازداشتی در زندان‌های داعش، بیم آن می‌رود شمار واقعی کشته‌شدگان بسیار بیشتر از آمار اعلام‌شده باشد.

پیشنهاد مذاکره به کره‌شمالی

«ریوکیل جائه»، **وزیر اتحاد دو کره در کره جنوبی** گفت: سنول خواهان مذاکره با کره شمالی در ماه ژانویه در مورد مسایل مختلف از جمله پروژه‌های مشترک است. هنوز مشخص نیست که آیا کره‌شمالی این پیشنهاد کره جنوبی را خواهد پذیرفت یا خیر. **(آوسپندتپرس)**

اعتراض به انتخابات عمومی ماه گذشته بود که مخالفان از جمله حزب الوفاق آن را تحریم کرده بودند. آنها اعتقاد داشتند که انتخابات آزاد نبوده و به‌نفع اقلیت سنی حاکم برگزار شده است. همزمان با تظاهرات روز جمعه، انتخابات داخلی حزب الوفاق به اجبار دولت بحرین برگزار شد و شیخ‌علی سلمان برای چهارسال دیگر به‌عنوان رهبر این حزب انتخاب شد. روز ۱۲۸اکتبر، دادگاه بحرین فعالیت حزب الوفاق را به حالت تعویق درآورد و سه‌ماه به این حزب فرصت داد تا برای تصحیح سریچی‌هایش اقدام کند. در آن زمان وزارت دادگستری بحرین اعلام کرد: این سریچی‌ها اخلال در تشکیل این جمعیت و انتخاب رهبران و فعالیت‌هایش به‌شمار می‌آید. پس از آن تصمیم گرفته شد که الوفاق به همراه جمعیت‌های مخالف دیگر انتخابات پارلمانی و شهرداری آتی در بحرین را تحریم کنند. رهبران جمعیت الوفاق معتقدند باوجود زندانیان سیاسی و حقوقی در زندان‌های «آل‌خلیفه» و پاسخ ندادن به خواسته‌های دموکراتیک بحرینی‌ها، برگزاری انتخابات در این کشور را باید تحریم کرد.

رویداد

ژانویه

زمان مذاکره مخالفان ودولت اسد

● یک منبع دیپلماتیک در مسکو اعلام کرد: نشست‌های قریب‌الوقوع میان دو هیات دولت و مخالفان سوری در ۲۷ژانویه (هفت بهمن) آغاز می‌شود و چند روز به طول می‌انجامد. به گزارش ایسنا، یک منبع دیپلماتیک عرب در مسکو در مصاحبه با روزنامه «الوطن سوریه» گفت: ۲۶ماه آتی میلادی برای دیدار میان نمایندگان مختلف مخالفان اختصاص یافته است و از آنها برای حضور در مسکو دعوت به عمل می‌آید تا دیدار مشورتی مقدماتی با هیات سوریه در ۲۷ژانویه آغاز شود و تا بیست و هشتم ادامه یابد. این منبع که خواست نامش فاش نشود، از نام «گفت‌وگو» با «مذاکرات» برای این دیدار استفاده نکرد؛ چراکه «دستور کاری برای دوطرف مطرح نشده است تا در مورد آن بحث و گفت‌وگو کنند، بلکه دیداری مشورتی است که شرایط را برای دیداری آماده می‌کند. در همین حال، شبکه المیادین گزارش داد که ائتلاف مخالفان سوریه و هیات هماهنگی (وابسته به مخالفان) برای امضای سنی توافق آمواده می‌شوند که تشکیل «دولت انتقالی با اختیارات گسترده و انتخاب رئیس‌جمهور برای دو دوره چهارساله از برجسته‌ترین بدهای آن است. براساس این سند، هدف از روند سیاسی مذاکرات تشکیل «نظام دموکرات» است که در آن قدرت انتقال یابد و براساس اصل شهروندی برابر عمل می‌کند.

باقی‌ماندن برخی از نیروهای آمریکایی در افغانستان

● «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای کتبی به مناسبت پایان ماموریت نظامی سربازان خارجی در افغانستان گفت که تعداد محدودی از نیروهای آمریکایی در این کشور باقی خواهند ماند. او هدف این ادامه حضور را کمک به نیروهای نظامی افغان و هدف قرار دادن بقایای القاعده عنوان کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه رادیویی «ان‌پی‌ار» به این پرسش که آیا او دو سال باقی‌مانده دوران ریاست‌جمهوری‌اش را صرف بازسازی کشورهای جنگ‌زده خواهد کرد یا خیر، پاسخ داد که این موضوع بستگی به لیبی، سوریه و عراق دارد که سرشته کار را در دست بگیرند. اوباما ادامه داد: «من فکر می‌کنم مردم آمریکا این موضوع را می‌فهمند. با این حال مواقعی هست که منتقدان اینجا در واشنگتن متوجه این موضوع نمی‌شوند و فکر می‌کنند شما قادر هستید مهره‌های شطرنج را به هر طرف میز حرکت دهید.» او در ادامه مصاحبه صرف میلیاردها دلار دیگر برای اعزام نیروهای آمریکایی برای جنگ با گروه تروریست داعش در عراق را رد کرد و گفت که این بودجه باید برای ساخت مدارس، راه‌ها و تحقیقات علمی در خود آمریکا هزینه شود.

ادامه از صفحه ۷

هشدار به اصولگرایان

تدروها که توسط بخش وسیعی از جامعه سیاسی، نماینده غیررسمی جریان اصولگرا هستند با اتخاذ رویکردهای حذفی و مخالف‌خوانی با آنچه توسط دولت انجام می‌شود قابل بر این نظرند که با این تاکتیک می‌توانند فضای روانی جامعه را به دست گرفته و بازهم شرایطی را به نفع خود تغییر دهند. اینکه آیا در این طریق موفق می‌شوند یا نه موضوع این مقال نیست اما آنچه مهم است اینکه رفتارشان موجبات حذف یک جریان سیاسی و لاجرم حذف رقابت سیاسی می‌شود و زمینه را برای ظهور دولت‌هایی فراهم می‌کند که نه تنها به اصولگرایی واصلح‌طلبی اعتقاد ندارند بلکه رویکرد کلی آنها کشور را وارد فاز «ضدتوسعه» می‌کند و لطمات سهمگینی را وارد می‌کند.

۴- اما گذشته را می‌توان به مانند چراغی تصور کرد که آینده را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. تجربه آنچه در دهه ۷۰می‌توانست به بالندگی جامعه سیاسی منجر شود و در اواخر دهه ۸۰ همان جریان یویا به رخوت و رکود سیاسی- اقتصادی جامعه انجامید را باید بسان چراغی راهگشا پنداشت که ممکن است مجدداً روی به تکرار آورد؛ تدروی از سوی جریاناتی که خود را از اصولگرایان می‌انندند و تجربه تلخ شکست در انتخابات ۹۲ را در پیش‌روی خود دارند. از سوی دیگر فریاد تندروهای این جریان سیاسی که البته پیچیده‌تر و منسجم‌تر از همکیشان خود در دهه ۷۰ در جناح مقابل عمل می‌کنند و صدای بلندی که از آنها به گوش می‌رسد و ساز ناکوکی که برخلاف خواست‌عمومی جامعه می‌نوازند، موجب می‌شود که به‌عنوان یک ناظر بیرونی نگران جریان اصیل اصولگرایی باشیم. هم از این باب که اولاً هژمون یک گروه سیاسی خاص بر کشور- چه اصولگرا و چه اصلاح‌طلب- موجب رشد گروه‌های بی‌هویت سیاسی می‌شود که به هیچ کدام از اصول فکری، اعتقادی، اخلاق و سیاسی پایبند نیستند و ثانیاً به حذف انگاره‌های دموکراتیک مانند رقابت سیاسی می‌انجامد که این مهم، محل توسعه ملی و گسترش مردمسالاری است. ثالثاً در جامعه بدون حزب و سیال سیاسی ما به افراطی‌گری و پوپولیسم دامن می‌زند که در این‌صورت باید از خردگرایی در تصمیمات فاصله گرفت و منظر ضربه کاری به فرایند توسعه‌ملی بود.